

نماز جمعه

هفته آینده

بر گزار نمی‌شود

سیاسی



وزیر نفت اظهار داشت: **پول بایک زنجانی**، پول وزارت نفت نبوده **چرا که این پول از بانک‌ها قرض گرفته شده و تمام این سال‌ها**

سود آن پرداخت شده است.

به گزارش انتخاب، وزیرنفت جزییات طلب وزارت نفت از بایک زنجانی را تشریح کرد.

بیژن نامدار زنگنه در تشریح میزان طلب وزارت نفت از بایک زنجانی گفت: رقمی که در حکم اولیه بایک زنجانی حدود ۲ هزار میلیارد تومان آمده با آنچه نظر وزارت نفت بوده متفاوت است و وزارت نفت آن را تکمیل می‌کند؛ چرا که از نظر وزارت نفت این بدهی حدود ۴ هزار میلیارد تومان با احتساب خسارت بوده که حدود ۲.۷ هزار میلیارد تومان اصل بدهی است.

وزیر نفت افزود: پول بابک زنجانی پول وزارت

در پی هزمنای عید سعید قربان با برگزاری نماز جمعه هفته آینده (دهم شهریورماه) این فریضه عبادی– سیاسی برگزار نمی‌شود.
همچنین ستاد برگزاری نماز جمعه در اطلاعیه‌ای که پیش از خطبه‌های نماز در جمع نمازگزاران خوانده شد، اعلام کرد که نماز جمعه تهران از نیمه دوم شهریورماه تا پایان آبان‌ماه در دانشگاه تهران برگزار می‌شود.
نماز عبادی – سیاسی جمعه از شانزدهم تیر ماه به دلیل گرمای هوا در مصالحی امام خمینی(ره) اقامه می‌شود.

بیژن نامدار زنگنه وزیر نفت:

بدهی بابک زنجانی حدود ۴ هزار میلیارد تومان است

نفت نبوده چرا که این پول از بانک‌ها قرض گرفته شده و تمام این سال‌ها سود آن پرداخت شده و در آینده نیز باید سود آن توسط وزارت نفت پرداخت شود.

زنگنه با بیان اینکه تمام مبلغی که به وزارت نفت پرداخت شده حدود ۲ هزار میلیارد تومان است، ادامه داد: البته رقم کارشناسی این اموال حدود ۲هزار میلیارد تومان بوده است، اما برای فروش، کسی اموال بایک زنجانی را نمی‌خرد و چه کسی اکنون منزل ۱۰۰ میلیارد تومانی و یا ویلای بابک زنجانی را می‌خرد؟

وی با اشاره به اینکه اینها اموالی نبوده که به



راحتی به پول نقد تبدیل شود، یادآور شد: وزارت نفت احتیاجی به این اموال همانند مجموعه ساختمانی در جمران، ویلا در لواسان، هتلی در کیش و هتل نیمه تمام در قشم نداشته و این اموال برای وزارت‌خانه کارایی ندارند. اموالی که از سوی وزارت نفت گرفته شده قابل تبدیل به ۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی نیست.

وزیر نفت، تصریح کرد: وزارت نفت اکنون اموال را قبول کرده و گرفته است اما این ۲ هزار میلیارد تومان اموالی که از سوی وزارت نفت گرفته شده قابل تبدیل به ۲ هزارمیلیارد تومان نقدینگی نیست.

پاسخ نمایندگی ایران در سازمان ملل به بیانیه نمایندگی آمریکا:

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با حرفه‌ای‌گری کامل به اجرای وظایف خود در قبال برجام ادامه دهد

مقررات بین‌المللی موجود در ۷ گزارش پایپی خود پای‌بندی کامل ایران به برجام از سال ۲۰۱۵ تا کنون را راستی آزمایی و تایید کرده است.

علاوه براین، مطرح نمون اهمیت مقابله با سوء استفاده ایران از عبارات مبهم توافق هسته‌ای، در این بیانیه را می‌توان در ادامه سیاست دولت جدید آمریکا در تضعیف برجام و ناشی از پیش داور۱‌های مغرضانه تلقی کرد.
جمهوری اسلامی ایران کاملاً به تعهدات بین‌المللی هسته‌ای خود از جمله براساس برجام آگاهی داشته، و به مسئولیت‌های خود در این زمینه اعم از معامله منع اشاعه هسته‌ای، موافقتنامه پادمان، برجام و پروتکل الحاقی به صورت کامل پای‌بند می‌باشد.
در عین حال، هرگز اجازه سوءاستفاده از این قوانین را برای اغراض سیاسی کوتاه‌بینانه نخواهد داد. در همین راستا، انتظار می‌رود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی کم‌اگان با امانت‌داری و حرفه‌ای‌گری کامل به اجرای وظایف و ماموریت‌های خود در قبال برجام ادامه دهد. به گزارش ایرنا، نیکی هیللی سفیر و نماینده دائمی آمریکا در سازمان ملل روز چهارشنبه به منظور رسیدن به پاسخی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برجام و فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به وین سفر کرد.

سازوکار نهادهای بین‌المللی است.

رویکرد نماینده دائم آمریکا در قبال قطعنامه ۲۲۳۱

شورای امنیت و تفسیر نادرست از این قطعنامه، نمونه دیگری از ناشناسی یا منطبق کاری نهادهای بین‌المللی است. تردیدی نیست که اساسا با رویکرد یک‌جانبه‌گرایانه نمی‌توان با سازمان‌های بین‌المللی تعامل نمود یا با تهدید و فشار آن‌ها را مجبور به اتخاذ تصمیمات ناروا کرد. این روش حاصلی جز انزوی بیشتر آمریکا در جامعه جهانی به بار نخواهد آورد.

بعلاوه، اهداف و نتایج اعلام شده برای سفر وی، با

مفاد مختلفی از برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت در خصوص نقش آژانس و ضرورت صیانت از استقلال

آن و حفاظت از اطلاعات حساسی که در معرض اطلاع آژانس قرار می‌گیرد، در تعارض است. ادعای اینکه گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به اندازه میزان دسترسی که ایران به محل‌های مشکوک به

فعالیت هسته‌ای برای آژانس فراهم می‌آورد، معتبر خواهد بود، در این بیانیه به طور کامل اعتبار آژانس و گزارش‌های آن را نه تنها در مورد ایران که در مورد همه کشورها زیرسوال می‌برد.

این در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با استفاده از پیشرفته‌ترین شیوه‌های بازرسی درچراچوب

نیکی هیللی بعد از دیدار با امانو:

ترامپ هنوز در مورد برجام تصمیم نگرفته است

یکم شهریور با یوکیا آمانو در پیامی در توئیتر نوشت: با پرسش‌های فراوانی درباره توافق ایران به وین آمدیم، پاسخ‌های خوبی گرفتیم،

اما هنوز تردیها و نگرانی‌های زیادی داریم. گزارش این دیدار روز چهارشنبه ابتدا منتشر شد. بر اساس بیانیه‌ای که هیئت نمایندگی آمریکا در سازمان ملل روز چهارشنبه یکم شهریور در مورد این دیدار منتشر کرد، نیکی هیللی در دیدسار با یوکیا آمانو به دسترسی برتاسیساتی در ایران اشاره کرد که در امر نظارت بر اجرای برجام حیاتی هستند؛ از جمله دسترسی به تمام مکان‌ها در ایران که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطلاعاتی در مورد فعالیت‌های مرتبط با برجام در آن‌ها در اختیار دارد. در بیانیه سازمان ملل در این زمینه آمده است؛ در این دیدار خانم هیللی ضمن اشاره

توضیح محمد علیخان۱ در مورد عکس حاشیه‌ساز مترو

آن فرد مسن که بود؟

و تعدادی افراد از جمله یک فرد نسبتا مسن کنار آن‌ها در حال تماشا هستندند علیخان۱ توضیح داد که موضوع از این قرار بود: بعضی از اعضای شورا همراهانی داشتند. اعضا به ویژه آقای محسن هاشمی چندین بار از آنان خواستند با توجه به اینکه در قطار جا برای نشستن وجود داشت؛ بنشیند، اما دوستان علی‌الخصوص آن زیر مرد مسافر نمل! حاضر به نشستن نبودند. عکاسان اصرار داشتند که این آقایان حداقل کناری بایستند تا آن‌ها بتوانند عکس‌های خودشان را بگیرند. همانطور که در عکس مراسم حرم نیز مشاهده می‌کنید، همان فردی که در شبکه‌ها از او به عنوان فرد مسن یاد شده است، حضوری فعال دارد و نشان می‌دهد که واقیعت چیز دیگری است و ظاهرا ایشان خودشان علاقمندند که جایی بایستند که در قاب عکس باشند! تمام ماجرا این بود. لذا: اگر بنده هم اطلاعاتی از واقیعت موضوع نداشته‌م و این افراد را نمی‌شناختم، احتمالا برداشت مناسبی نمی‌کردم و شاید مثل برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی به گونه دیگری قضاوت می‌کردم.

نداندن و آقای محسن هاشمی هم شخصا برای حل مشکل به درب ورودی حرم رفتند. اما حاشیه دوم بعد از انتشار تعدادی عکس ساخته شد، آنجا که در تصویری نشان می‌دهد اعضای شورا در مترو روی صندلی نشسته

شدند این مسئله با دستور حاج سید حسن

آقا و عنذخواهی مسئولان حفاظت مرتفع شد و آن‌ها نیز به جمع پیوستند، نکته جالب این بود که حاج سید حسن آقا تا رسیدن این دوستان اجازه شروع مراسم را

۳

شنبه ۴ شهریور ■ شماره ۲۲۱

یادداشت

به‌سوی شهری دانش‌پایه، هوشمند و جهانی

حمید آصفی–کارشناس اقتصاد سیاسی

در کشور ما در حوزه وظایف شهرداری‌ها و تشکیل نگاه‌های اقتصادی یک نگاه کلی و عام به قوانین و مقررات وجود ندارد، بلکه بیشتر، در حوزه وظایف خدماتی قانون وجود دارد. داستان دردناک منطقه حکیمیه تهران از فراز یا تفسیر همین قوانین شهرداری رقم خورد. با تخلیه کارخانه‌های صنعتی چون ارج، آزمایش، زیمنس و مانند این‌ها به بهانه مشکلات زیست‌محیطی–ترافیکی، آن مکان‌ها به مکالم یا سالن جشن عروسی و مستغلات تبدیل شدند؛ درحالی‌که شهرداری می‌توانست این مکان‌های تخلیه‌شده را در اختیار شرکت‌ها و صنایع اقتصاد دانش‌بنیان قرار دهد. در نهایت آن شرکت‌ها را از تهران خارج کردند و لقمه چربی را به حلقوم بورژوازی مستغلات ریختند.

راهکار کسب درآمد پایدار شهرداری‌های کلان‌شهرها

درآمد فعلی شهرداری تهران و هزینه بوروکراسی این نهاد به کنلر نزدیک به شصت هزار میلیارد تومان بدهی درمجموع یک مجموعه زده‌بان به شهردار بعدی تحویل می‌شود. پرسش این است: شهرداری که یک بنگاه اقتصادی نیست، آیا می‌تواند بسترساز شرایطی باشد که صنایع دانش‌بنیان شکوفا شوند و از محل بسترسازی برای تشکیل این صنایع و کسب مالیات مناسب به بخش مهمی از درآمد پایدار دست پیدا کند؟

با نگاه ریزبینانه مشاهده می‌شود این سیاست در چارچوب طرح جامع به‌مثابه قانون به شهرداری‌ها ابلاغ شده است. سازوکار نهاد۱‌اش هم بنا بود به‌عنوان طرح‌های موضوعی تهیه و تعبیه شود، اما مزه چرب و شیرین تراکم‌فروشی آن مصوبات را کنار گذاشت. بنا بر همین مصوبات می‌بایست شهرداری تهران در دوران ریاست قالیباف، سازوکار نهاد۱ این مصوبات را تعبیه کرده و فضا و بستر را برای اجرای وظیفه اقتصادی شهرداری در چارچوب طرح جامع آماده می‌کرد. مصوبات این بسته‌های قانونی برای شهر تهران به‌عنوان شهری دانش‌پایه، هوشمند و جهانی به شهرداری ابلاغ شده است.

وقتی شورای عالی شهرسازی این طرح جامع را برای شهرداری تصویب می‌کرد، باید برای شهرداری قانون و سازوکار مناسب برپا می‌شد و مکانیسم آن درست می‌شد، ولی این سازوکار برپا نشده است، چون اراده‌ای وجود نداشت و همانند همه مصوبات و طرح‌های دیگری که روی هوا مانده است، طرح جامع هم در هوای فراموشی فراموش شده و هوای واقعی (تراکم‌فروشی) جایگزین آن شده است! پاس برای ادای وظایف شهرداری تهران قانون وجود داشته و خلأ قانونی در کار نبوده است، اما عملی نشده است.

برای اینکه تهران شهری دانش‌پایه شود و از چرخه مبادله نابرابر و رانتی –و بیست تا بیست‌وپنج میلیاردی که صرف هزینه نگهداری‌اش می‌شود ولی یک میلیارد بیشتر صادر نمی‌کند– خارج شود، باید فضاهای بزرگی به شرکت‌های دانش‌بنیان بدهند. همه این مسیر در طرح جامع آمده است و البته این قوانین باید دوباره بازبینی شوند، چوندر حال حاضر نمی‌دانیم چه فضاهایی از شهر تهران باقی مانده است.

اکنون با شهردارشدن آقای دکتر نجفی زمان بازبینی طرح جامع است، چون این قانون در سال ۱۳۸۶ تصویب شده؛ یعنی ده سال از تصویب آن گذشته است. بازبینی طرح هم باید به دست گروهی انجام شود که آن طرح را تدوین و مصوب کرده‌اند! برای اینکه گروه دیگری وجود ندارد که تهران را این‌گونه بشناسد و کار کرده باشد. اتفاقا کسی که این سازماندهی را بلد بود، مهندس حبیب‌اللهیان معاون شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی و از طرف اصول‌گرا بود. همچنین آقایان دکتر توفیق مشاور ارشد وزیر و آقای مجید غمami شهرساز اصلی و مسعود شفیق به‌عنوان یک مدیر پژوهشگر قوی توانستند این گروه را جمع کنند.

در این میان پرسشی که به ذهن می‌آید این است که اگر قانون شورای عالی شهرسازی مصوبه داشته و دارد و اراده‌ای برای اجرای این قانون نیست و نبوده، چگونه می‌شود این اراده (اعمال کرد؟ توسط چه نهاد۱؟ مجلس یا قوه قضائیه؟ شایکت به سازمان بازرسی یا درست و کامل شوند. نه‌تنها در حوزه درآمد

پیگیری طرح جامع باید از طرف وزارت مسکن و شهرسازی صورت بگیرد؛ مانند شکایتی که آقای آخوندی در دولت هاشمی علیه کرباسچی کرد و گفت شهردار تهران با تراکم فروشی قانون را زیر پا گذاشته است. البته در هیچ جای جهان قانون جامع و مانعی وجود ندارد و ناخخ و منسوخ همه‌جا هست. برای همین باید اراده وجود داشته باشد که نهادهای ناقص، درست و کامل شوند. نه‌تنها در حوزه درآمد پایدار شهرداری به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای توسعه شهری، بلکه در توسعه پایدار و متوازن کشور نیز امر نهادسازی مقدم و مهم است. همچنین باید اقتصاددان‌هایی که اقتصاد توسعه و دقیق نهادسازی و فناوری نهادسازی را خوب بلداند امور را اداره کنند. متأسفانه در ایران کارشناس اقتصاد توسعه نداریم و کسانی که در این امور ادعایی دارند بیشتر ذهن سیاست‌زده‌ای دارند.

دلیل به عقب برگشتن ما بحران‌های سیاست‌زدگی و بی‌دانشی است؛ چراکه توسعه یک امر جهانی و باقاعده است. آخرین اصلاح‌طلبان کره جنوبی که بر سر کار آمدند، باوجود اینکه بحران بزرگ اقتصادی سال‌های ۹۷–۹۹ در آسیای جنوب شرقی رخ داد و بعد ورش رده شروع شد، چون کارآمدی داشتند به عقب برگشتند، زیرا به‌شدت به کم‌رآمدها رسیده بودند و کم‌رآمدها را قربانی رشد نکردند. یکی از دلایل عبور از بحران همین بود.

کسانی که می‌خواهند فعالیت اجتماعی–سیاسی کنند، حتماً باید یک دوره خوانش اقتصاد توسعه، داشته باشند. برنامه حداقل ما بر مبنای اقتصاد توسعه باید تدوین شود. مبنای گفتمان حداقلی ما اقتصاد توسعه است، نه اقتصاد کلاسیک و اقتصاد سوسیالیستی. اقتصاد توسعه می‌گوید که چگونه باید روند تولید را سامان دهید، چگونه نهادسازی کنید و این یک نقطه حداقلی دارد. این کف در هرکدام از کشورهای مختلف به‌نوعی رعایت شده است؛ در کره به‌نوعی، ویتنام به‌گونه‌های دیگر، چین و هند و برزیل هرکدام به شکلی، ولی اصول توسعه پایه را دارد. اصول پایه یکی است که همان اقتصاد توسعه است.

اولویت تخصیص بهینه منابع

در اینجا پرسشی درباره توسعه‌نیافتگی شهر تهران و سایر کلان‌شهرها مطرح می‌شود؛ اینکه آیا مسکن مهر و خانه‌هایی که دراطراف تهران ساخته شده مانع دانش‌بنیان شدن و درآمدزایی تهران شده است؟

در پاسخ باید گفت مسکن مهر بلای بزرگی است که روی دست دولت مانده است. خوابگاه‌های بزرگی ساخته‌اند که مسکن نیست، ماکت است، چون تسهیلات و تأسیسات زیربنایی ندارند. شانزه درصد آن مسکن‌های مهر که ساخته شده است تسهیلات زیربنایی و خدمات شهری دارند، ولی این مسکن‌ها پراکنده است. یک فرآیند طولانی باید طی شود تا پسمان شوند. صحبت این نیست که مسکن مهر مانع توسعه و درآمد پایدار شهرداری‌ها شده است یا خیر! در اقتصاد همه‌چیز می‌تواند مانع بشود، چون منابع کمیاب است و اگر درست تخصیص داده نشود توسعه پیدا نمی‌کنید، حتی اگر منابع هم سرشار باشد. پرسش روه‌مروی ما این است که اولویت برای تخصیص بهینه منابع چیست؟ این پرسش که آیا مسکن مهر مانع است انحرافی است و طرح آن از طرف کسانی است که اقتصاد توسعه بلد نیستند و به ناچار این پرسش را می‌کنند! در توسعه پایدار باید اشتغال ایجاد شود و نود درصد کسانی که در مسکن مهر ساکن شده‌اند به خاطر دوری راه شغل‌شان را از دست داده‌اند، چون در آن مکان‌ها شغل وجود ندارد، مترو و حمل‌ونقل عمومی نیز وجود ندارد. اگر هم این دو امکان باشند بیکاری تمام تهران را فراگرفته و هرچه دورتر می‌رویم وضعیت بدتر می‌شود. یکی از دلایل اصلی این موضوع کمبود حمل‌ونقل است و این خیل عظیم بیکاران پیرامون محیط زیست‌شان شغل ندارند. حال اولویت چیست؟ باید همه آن تأسیسات و امکانات شهری برای مسکن‌های مهر ایجاد شود و این کار یکی از راه‌های تخصیص بهینه منابع است. با تخصیص بهینه منابع و اشتغال‌زایی، افراد ساکن می‌توانند بخشی از هزینه‌های شهر را بدهند. اگر شغل نداشته باشند و تأسیسات و تسهیلات نباشد، اعتیاد گسترش پیدا می‌کند و آسیب‌های اجتماعی دوچندان می‌شود.

دلیل اینکه دولت و شهرداری تهران نتوانستند بافت‌های فرسوده داخل شهر را سامان دهند، یکی کمبود بودجه برای رسیدگی به بافت‌های فرسوده و مسکن مهر و دیگری تراکم‌فروشی زیاد در شهر بود که دو برابر ظرفیت تراکم فروخته‌اند. این خلاف منافع جامعه است و باید علیه آن شکایت بشود. احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی شهرسازی طرح تفصیلی را اجرا نکرد و این موضوع باعث شد شهرداری تهران بتواند تراکم بالای شهر را بفروشد. شهرداری، منطقه چیتگر را که بنا بود شهر علمی و فنی و دانش‌بنیان شود به پیمانکاران برج‌ساز نظامی واگذار کرد.

پرسشی که اکنون مطرح است این است که با کمبود فضای که در تهران با آن مواجه هستیم، به‌جز فضا و هوا فروشی از طریق تراکم، آیا جایی مانده است که در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان قرار بگیرد؟ جواش این است که بله، بسیار زیاد! همین مکان‌هایی را که تبدیل به مال و مکالم کرده‌اند، می‌توان تبدیل به شرکت‌های دانش‌بنیان کرد. در تهران شهرداری زمین زیاد دارد، پس این فرصت وجود دارد. اگر اراده‌ای پشت این تصمیم باشد، می‌شود تهران را نجات داد. اگر اراده باشد، قانون هم باشد و هم عالی، فهم کف اقتصاد توسعه را نیز باید داشته باشند. در چه بازه زمانی ما به یک نتیجه معین قابل قبول می‌رسیم؟ با یقین می‌شود گفت دو سال!

هر چه اراده بیشتر باشد، کار سریع‌تر انجام می‌شود. در این دو سال باید نهادسازی کنیم و اگر این کار صورت بگیرد، آدم‌های متخصص را سازمان‌دهی و تشکیلات آن را درست کنیم و از بخش خصوصی فعال دعوت به کار کنیم، به نتیجه خوبی خواهیم رسید.